

گفتاری پیرامون ادبیات دراماتیک

دنی دیدرو
پرویز احمدی نژاد

ادبیات نمایشی



گفتاری پیرامون ادبیات دراماتیک

نمایشنامه ۱۳
ادبیات نمایشی

گفتاری پیرامون ادبیات دراماتیک

دنی دیدرو

پرویز احمدی نژاد





روزبهان انتشارات

- سرشناسه: دیدرو، دنی، ۱۷۱۳ - ۱۷۸۴ م. Diderot, Denis
عنوان و نام پدیدآور: گفتاری پیرامون ادبیات دراماتیک / دنی دیدرو؛ پرویز احمدی نژاد.
مشخصات نشر: تهران، روزبهان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۱۸۲ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۴۲۰۷-۱
یادداشت: عنوان اصلی: De la poesie dramatique, 1799.
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: نمایشنامه -- تاریخ و نقد
موضوع: نمایشنامه
موضوع: Drama
شناسه افزوده: احمدی نژاد، پرویز، ۱۳۳۳ - مترجم
رده بندی کنگره: PN۱۷۰۷
رده بندی دیویی: ۸۰۹/۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۹۴۹۰۸
کد پیگیری: ۵۹۹۴۲۶۱

- مدیر تولید: فرهاد ایمانی
ویراستار: فرشیده اسدی (کارگاه ویرایش سایه نویسا)
نمونه خوان: ملیکا قاسمی (کارگاه ویرایش سایه نویسا)
طراح جلد: حامد کنی
چاپ جلد: چاپخانه رسانقش
چاپ اول، تابستان ۱۳۹۹
شمارگان: ۱۰۰۰

مرجع قیمت: وب سایت رسمی انتشارات روزبهان

- فروشگاه و دفتر انتشارات
تهران، خیابان انقلاب، روبه روی دانشگاه تهران، شماره ۱۲۰۶
کد پستی: ۱۳۱۴۷۵۴۷۱۱
تلفن: ۶۶۴۰۸۶۶۷، تلفکس: ۸۹۷۷۰۶۵۷
www.roozbahan.com
info@roozbahan.com
این کتاب براساس شیوه نامه نگارشی و ویرایشی انتشارات روزبهان تنظیم شده است.
© حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

۱۱	پیشگفتار مترجم: دنی دیدرو، روشنگر صحنهٔ تئاتر و پایه‌گذار درام
۱۴	شرح مختصری از زندگی و آثار دیدرو
۲۴	ماتریالیسم از نظر دیدرو
۲۹	تئاتر فرانسه در قرن هجدهم
۳۷	تئاتر و روشنگران
۳۹	دیدرو و تولد درام
۴۶	درام دیدرویی و تداوم روشنگری
۴۷	گفتاری پیرامون ادبیات دراماتیک
۵۱	خلاصهٔ مطالب
۵۷	ژانرهای دراماتیک
۵۹	دربارهٔ کم‌دی جدی
۶۶	نوعی از درام اخلاقی
۶۸	نوعی از درام فلسفی
۷۱	درام‌های ساده و درام‌های ترکیبی
۷۵	درام هزل آمیز یا مضحکه
۷۷	دربارهٔ طرح و گفت‌وگو
۸۲	دربارهٔ طرح اولیه
۸۸	رویدادها

دربارهٔ طرح ترازدی و طرح کمدی	۹۱
دربارهٔ جاذبه	۱۰۸
دربارهٔ مقدمهٔ چینی	۱۱۶
شخصیت‌ها	۱۱۹
تقسیم‌بندی واقعیه و تقسیم‌بندی پرده‌ها	۱۲۹
بین پرده‌ها	۱۳۱
صحنه‌ها	۱۳۷
دربارهٔ لحن	۱۴۱
خلق و خوها	۱۵۱
دربارهٔ آرایش صحنه	۱۵۷
لباس‌ها	۱۶۰
دربارهٔ اعمال بدون کلام	۱۶۳
دربارهٔ نویسندگان و منتقدان	۱۷۷

— با یاد پدر و مادرم، علی احمدی نژاد و زهرا فریذنی

— که به نوعی روشنگر راه فرزندان شان بودند.

مترجم

پیشگفتار مترجم

دنی دیدرو
روشنگر صحنه تئاتر و پایه‌گذار درام

دنی دیدرو^۱ یکی از متفکران قرن هجدهم میلادی است. او چنان مُهرش را بر شیوه اندیشه و تفکر کوبید که به یکی از فیلسوفان مهم عصر روشنگری بدل شد. بدیهی است که هریک از متفکران این دوره، در تدوین، استحکام و درخشش علم، صنعت و هنر نقش به سزایی دارند. همکاری و همفکری آنها — که نتیجه مرادوت، بحث‌ها، نقد و جدال و بررسی‌های بی‌شماری است — به خروج اروپا از عقاید قرون وسطایی و ایجاد تحولی شگرف در پیشرفت جامعه بشری منجر شد.

در این گفتار مختصر، بررسی همه جانبه عقاید دیدرو امکان پذیر نیست. هدف این است که خواننده پیش از خواندن رساله گفتاری درباره ادبیات دراماتیک اندکی با زندگی دیدرو، موقعیت سیاسی و اجتماعی قرن هجدهم و نیز موقعیت و شرایط هنر تئاتر در این دوره آشنا شود و تا اندازه‌ای این بحث‌های جدید طرح شده در مقاله دیدرو برای او واضح و شفاف باشد. بعد از دیدرو، متفکران و نمایشنامه‌نویسان بسیاری نظریه‌های او را به کار گرفته و گسترش داده‌اند، از این رو ممکن است مباحث و مسائل مطرح شده در گفتاری درباره ادبیات دراماتیک برای برخی از خوانندگان امروزی تکراری و بی‌اهمیت به نظر برسد. اما قصد ما در این مقاله، قراردادن مفاهیم و بحث‌های رساله دیدرو در فضای سیاسی، اجتماعی و هنری زمان نگارش این اثر است.

شرح مختصری از زندگی و آثار دیدرو

دنی دیدرو در پنجم اکتبر سال ۱۷۱۳ و در شهر لانگر^۱، در شمال شرقی فرانسه به دنیا آمد. پدرش، دیدیه دیدرو^۲، آهنگر، پیشه‌ور و چاقوساز و مادرش، آنژلیک وینیه‌رون^۳، دختر یک چرم‌فروش بود. دودایی او از افراد عالی‌رتبه کلیسا بودند و پدرش علاقه داشت که دنی نیز به تحصیل الهیات بپردازد و به سلسله‌مراتب کلیسا و روحانیت وارد شود.

آغاز تحصیلات دینی و شناخت مسیحیت

در سن ده سالگی (۱۷۲۳) او به کالج یسوعیان رفت و تا سال ۱۷۲۸ — یعنی بیش از پنج سال — در محیط آموزشی این فرقه مذهبی تحصیل کرد؛ محیطی که به تعلیم و تربیت بسیار جدی و سختگیرانه مشهور بود. در پایان این دوره، او موفق شد جایزه دوم شعر لاتین را کسب کند و کلیسای شهر لانگر لقب کشیشی را به او اعطا کرد. به دنبال این موفقیت، پدرش او را برای ادامه تحصیلات مذهبی به پاریس فرستاد؛ به این امید که پس از پایان تحصیلات به جمع روحانیان کلیسا بپیوندد. در این دوران، یک دانشجوی توانست در چند کالج رفت‌وآمد داشته باشد و در کلاس‌های استادان مختلف شرکت کند. به این ترتیب، دیدرو از آموزش استادان یانسنیست و یسوعی بهره برد و درس‌های سخنوری، الهیات، فلسفه، شعر و ریاضیات را مطالعه کرد. در همین دوران، به زبان یونانی علاقه‌مند شد و با آثار هومر، ویرژیل، هوراس، سENEK، سیسرون، ترانس و دیگر نویسندگان دوران کهن آشنا شد و قطعه‌هایی از آثار آنها را حفظ و مدتی بعد، آثار هومر را ترجمه کرد. در سال ۱۷۳۲، در سن نوزده سالگی، مدرکی در رشته هنر به دست آورد که امروزه آن را می‌توان معادل لیسانس ادبیات و علوم تلقی کرد. سپس برای تحصیل الهیات وارد دانشگاه سوربن شد و پس از سه سال مطالعه در رشته‌های متافیزیک، الهیات و علم کلام، با دریافت

1. Langres.

2. Didier Diderot.

3. Angélique Vignerons.

مدرکی معادل دکترای امروزی فارغ‌التحصیل شد. او با تکیه بر این تحصیلات دینی، از اسقف شهر زادگاهش تقاضای شغل کشیشی و دریافت حقوق کرد، اما مسئولان کلیسا تقاضای او را رد کردند.

آشنایی با روشنفکران و علاقه به تئاتر

پس از خودداری کلیسا از پذیرش او به عنوان کشیش، دیدرو در پاریس ماندگار و در انتخاب بین شغل‌های قضاوت، نقاشی و بازیگری در تئاتر به تردید دچار شد. در سال ۱۷۳۷، پدرش مستمری او را قطع کرد و از این زمان تا سال ۱۷۴۰، به زندگی بی‌قید و بند در پاریس ادامه داد و برای مدتی غیر از تدریس ریاضیات، درآمد دیگری نداشت. مادرش گاهی مقداری پول برای او می‌فرستاد. او برای علاقهٔ بسیار به تئاتر، اغلب اوقاتش را به تماشای آثار مولیر، لوسزو و لترمی گذراند. مدتی در کلاس‌های رقص شرکت کرد و به مطالعهٔ موسیقی پرداخت. با یوهان جرج ویل^۱، کلیشه‌ساز و حکاک ماهر، مراوده و آشنایی داشت که در همسایگی او زندگی می‌کرد. این امر، ذوق هنرهای تجسمی را در او برانگیخت.

بین سال‌های ۱۷۳۷ تا ۱۷۴۷، در مجلهٔ مرکور دو فرانس مقاله‌هایی دربارهٔ ریاضیات و فیزیک منتشر کرد که نشان از شناخت او از تئوری‌های نیوتن داشت. در همین مجله نیز مقالات متنوعی دربارهٔ هنرهای زیبا، اسطوره‌شناسی، نقد رمان، تئاتر و بررسی اشعار ولتر منتشر کرد. او دربارهٔ موسیقی به سبک فرانسوی نیز عقایدی داشت که اغلب روشنفکران آن را قبول نداشتند. این مقاله‌ها به وضوح نشانگر آن است که دیدرو یکی از پایه‌گذاران نقد ادبی و نقد هنری است. در سال‌های بعد نیز با گاهنامهٔ مکاتبهٔ ادبی همکاری کرد و در مجموعه مقاله‌هایی معروف به سالن‌ها آثار بیشتر هنرمندان نقاش و مجسمه‌ساز را نقد و بررسی کرد. در سال ۱۷۴۱، او ترجمهٔ کتاب تاریخ یونان اثر تامپل استانیان^۲ را آغاز کرد و در همین سال‌ها در کافهٔ رژانس^۳، واقع در محلهٔ پالروئال، با اغلب

1. Johann Georg Wille.

2. Temple Staniyan.

3. Régence.

روشنفکران این دوره -از جمله ژان ژاک روسو، کوندیاک و...- آشنا شد که در این محل ضمن بحث‌های گوناگون شطرنج بازی می‌کردند.

دیدرو در سن ۲۹ سالگی (۱۷۴۲) با دختری به نام آن -آنتوانت شامپیون^۱ آشنا شد و قصد ازدواج با او را داشت. خانواده او به دلیل اختلاف طبقاتی به شدت با این وصلت مخالف بودند. دیدرو مجبور شد یک سال صبر کند تا در آستانه سی سالگی با آن -آنتوانت ازدواج کند.^۲ زوج جوان در مرکز پاریس و در نزدیکی یک کتابخانه بزرگ اقامت گزیدند.^۳ خانواده دیدرو از ازدواج فرزندشان اطلاعی نداشتند.

گذار از مسیحیت و رسیدن به خدا باوری^۴

دنی دیدرو در طول زندگی، از نظر اعتقادی و نظرات فیلسوفانه، مراحل گوناگونی را از سر گذشته است. در دوران نوجوانی، با اعتقاد کامل به مذهب مسیحیت، تحصیلات الهیات را آغاز کرد و تا مرحله پذیرش در کسوت کشیشان پیش رفت. در این مرحله او کاملاً خداپرست (ته ایست) و پیرو دین مسیحی^۵ بود. پس از اقامت در پاریس و آشنایی با روشنفکران و شناخت عقاید متفکران انگلیسی -که در این دوران در مسائل نظری و آزادیخواهی پیشتاز بودند- دست به ترجمه فرهنگنامه جهانی پزشکی اثر روبرت جیمز و رساله درباره فضیلت و شایستگی اثر شافتمسبری^۶ می‌زند. ترجمه و مطالعه این آثار، تفکر تجربه‌گرایی^۷، روش تجربه‌گرایانه و خدا باوری را در او برمی‌انگیزد.

نخستین کتاب شخصی دیدرو به نام اندیشه‌های فلسفی (۱۷۴۶) به طور مخفیانه و بدون ذکر نام او منتشر شد. در این اثر، او متأثر از تفکر شافتمسبری است. او هم چنان که ناباوری و بی‌اعتقادی به خدا را رد می‌کند، از مسیحیت

1. Anne-Antoinette Champion.

۲. در فرانسه قرن هجدهم، فرزندان یک خانواده برای ازدواج به جلب رضایت و اجازه پدرشان احتیاج داشتند. دختران تا سن ۲۵ سالگی و پسران تا ۳۰ سالگی در کفالت پدرشان بودند.

۳. امروزه در این محل، دانشگاه ژوسیه-دنی دیدرو ساخته شده است.

4. Déisme.

5. Théiste.

6. Shaftesbury.

7. Empirisme.

روی برگردانده است؛ تعصبات مذهبی را غیرمنطقی می‌داند و خداشناسی طبیعی، عقلانی و خداباوری را ترویج می‌کند. در نگارش این کتاب، او از شیوهٔ گفت‌وگوی بین دو شخص یا «گفت‌وگوی کاشف‌گرایانه»^۱ استفاده می‌کند که در اغلب نمونه‌ها یکی از آنها خود دیدرو است و طرف مقابل با طرح پرسش‌ها به جذابیت موضوع می‌افزاید.

پارلمان، کتاب اندیشه‌های فلسفی را طرد کرد و این کتاب در فهرست کتاب‌های ممنوعه قرار گرفت و دستور جمع‌آوری و سوزاندنش را صادر کردند. در سال ۱۷۴۷، داستان **گوهرهای هرزه‌درا**^۲ منتشر شد که با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد. او در همین سال **گردش اهل شک** را نوشت، اما این کتاب در زمان حیاتش منتشر نشد.

متدین‌ها و متفکران وابسته به کلیسا، نام «فیلسوفان جدید» را به گروهی از فیلسوفان اطلاق می‌کردند که پیروی از فلسفه و نگرش تجربه‌گرایانه را مدنظر داشتند. دیدرو — که در سال ۱۷۴۷ امتیاز تهیه و انتشار **دانشنامه یا فرهنگ مستدل** دانش، هنر و پیشه‌ها را به دست آورده بود — با کمک جمعی از فیلسوفان جدید — از جمله ژان دالامبر، ژان ژاک روسو و ولتر — به شدت مشغول تهیهٔ مقاله‌هایی برای **دانشنامه** شد. ولتر — که مدتی در انگلستان اقامت داشت — برخی از آثار فیلسوفان لیبرال انگلیسی را به فرانسوی ترجمه کرده بود و دیدرو او را استاد خود می‌دانست. ولتر به رغم مبارزه با خرافات، تعصبات مذهبی و خشک‌اندیشی کلیسا تا آخر عمر خدا باور باقی ماند اما دیدرو با شناخت اندیشهٔ «اسپینوزاگرایی جدید» به گرایش‌های ناباوری^۳ روی آورد و سپس اندیشه‌های کاملاً ماتریالیستی رادیکال در آثار او قطعیت پیدا کرد.

کشف روان‌شناسی و آموزش تجربه‌گرایی جان لاک و ستاره‌شناسی نیوتن، دنیای عقاید معقول و منطقی را متزلزل کرده بود و این بینش جدید، دنیای نوینی را در مقابل متفکران قرار می‌داد که در آن همه چیز قابل آزمودن و تجربه کردن بود.

1. Dialogue heuristique.

2. Les bijoux indiscrets.

3. Athéisme.

متعصبان کلیسا و محافظان احکام کهن، با افکار نوین مقابله می‌کردند و به طرق گوناگون در صدد جلوگیری از پخش اندیشه‌های «فیلسوفان جدید» یا «روشنگران» بودند.

دستگیری و زندانی شدن دیدرو

در سال ۱۷۴۹، دیدرو ۳۷ سال داشت که مقاله‌ای را با عنوان «نامه‌ای درباره نابینایان برای استفاده آنان که می‌بینند» بدون ذکر نام منتشر کرد. بحث‌های مطرح‌شده در این مقاله و نیز در دو کتاب دیگرش، خشم کلیسا و حکومت را برانگیخت و دیدرو با حکم پادشاه، بازداشت و به زندان ونسن منتقل شد. اما می‌دانیم که از چند سال قبل، تدارکات تهیه و چاپ دانشنامه با حمایت و سرمایه‌گذاری چهار ناشر آغاز شده بود و چهار هزار مشترک، با پیش‌خرید جلد‌های اولیه، منتظر انتشار و دریافت دانشنامه بودند. بنابراین چنین مؤسسه عظیمی نمی‌توانست اسارت طولانی دیدرو را بپذیرد. و لترو و سوبا مدیر زندان ونسن آشنایی داشتند و با سفارش آنها، ابتدا امکان مطالعه و ملاقات برای او فراهم شد و پس از چند ماه دیدرو با قبول تعهد از زندان آزاد شد؛ او تعهد داد که دیگر علیه مسیحیت و حکومت کتاب منتشر نکند.

اما به دنبال این واقعه در سراسر اروپا، او به عنوان فیلسوف روشنگرو نویسنده کتاب نامه‌ای درباره نابینان مشهور شد و در تفکرش، مرحله نوینی به سوی ناباوری آغاز شد و در نگرش فلسفی و هنری، راه و شیوه ماتریالیسم بیولوژیک را برگزید.

انتشار دانشنامه برای همگان، هم‌زمان با نگارش آثار برای آیندگان

در سال ۱۷۵۱، نخستین جلد دانشنامه با همکاری جمعی از روشنفکران منتشر شد. دیدرو برای تألیف، جمع‌آوری مقاله‌ها و تکمیل آن در ۲۸ جلد، ۲۷ سال از عمرش را صرف کرد و با مشکلات فراوانی روبه‌رو شد. به دنبال نشر دانشنامه، مجامع فرهنگی سراسر اروپا او را در آکادمی‌های علمی، فرهنگی و هنری خود

به عنوان عضو پذیرفتند. فردریک دوم، پادشاه پروس، عضویت او را در آکادمی سلطنتی علوم و هنرهای زیبای پروس پذیرفت و در سال ۱۷۶۷، به عنوان عضو افتخاری آکادمی سلطنتی هنرهای سن پترزبورگ پذیرفته شد. با این حال، به رغم تلاش و لترو دیگر روشنگران، عضویت او در آکادمی فرانسه پذیرفته نشد. در کنار فعالیت برای تهیه و انتشار دانشنامه، او آثار گوناگونی در زمینهٔ رمان، داستان، نقد هنری و مقاله‌های فلسفی نگاشت و به دلیل ترس و واهمه از سانسور از انتشار اکثر آن‌ها خودداری کرد. سال‌ها پس از مرگ او، این آثار به تدریج چاپ و شناخته شدند.

در سال ۱۷۵۳، کتابی را منتشر می‌کند با عنوان نامه‌ای دربارهٔ کروال‌ها برای استفادهٔ آنان که می‌شنوند و حرف می‌زنند. در این اثر، او حرکت‌ها و رفتار افرادی را مطالعه می‌کند که از یکی از حس‌های خود محروم‌اند و بی‌آنکه به مذهب اشاره‌ای کند، از عقاید تجربه‌گرایی بهره می‌برد و روی منشأ زبان و مسائل زیبایی‌شناختی تأکید دارد.

یک سال بعد، دیدرو رسالهٔ مفصلی زیبا را در جلد دوم دانشنامه منتشر کرد که حاوی مطالبی دربارهٔ چگونگی درک انسان از زیبایی است. کتاب اندیشه‌هایی دربارهٔ تفسیر طبیعت بدون نام نویسنده ولی با مجوز رسمی در سال ۱۷۵۳ منتشر شد.

در سال ۱۷۵۵، دیدرو با خانم سوفی ولان آشنا شد. آنها تا سال‌های آخر عمرشان در نامه‌نگاری‌های متعدد، مطالب مهمی دربارهٔ زندگی و تفکرات خود ابراز کردند و مطالعهٔ این نامه‌ها امکان آشنایی بیشتر با عقاید دیدرو را فراهم می‌آورد.

نمایشنامهٔ پسر نامشروع در سال ۱۷۵۷ منتشر شد. دیدرو در نسخهٔ چاپی این نمایشنامه، مقاله‌ای به نام «گفت‌وگویی دربارهٔ پسر نامشروع» افزود که در آن علاوه بر توضیح این اثر، نظرات خود را دربارهٔ هنر نمایش و تئاتر اعلام کرد. در همین سال، دالامبر در مقالهٔ «دربارهٔ شهرژنو»، تأسیس تئاتر و اجرای نمایش را در

این شهر توصیه می‌کند. ژان ژاک روسو—که خود شهروند جمهوری خودمختار ژنوبود—با نظر دالامبر مخالفت می‌کند و در مقاله‌ای به نام «نامه به دالامبر درباره نمایش‌ها»، تأسیس تماشاخانه یا تئاتر و حتی اجرای نمایش در شهر ژنورا برای شهروندان مضر می‌داند. دیدرو—که از نظرات دالامبر پشتیبانی می‌کرد—در مقاله‌ای از ایجاد و توسعه هنر نمایش نوین و اخلاقی صحبت می‌کند و متذکر می‌شود که چنین هنری در پیشرفت فضیلت و اخلاق تأثیرگذار، و در پیشرفت اجتماع ضروری است. به دنبال این اختلاف نظرها، دوستی چندین ساله دیدرو با ژان ژاک روسو به پایان رسید.

در سال ۱۷۵۸ نمایشنامه پدر خانواده همراه با مقاله «گفتاری درباره ادبیات دراماتیک» منتشر شد. اجرای این نمایشنامه در سال ۱۷۶۱، در کمدی فرانسز با موفقیت روبه‌رو شد. مخالفان روشنگران—که از راه‌های مختلف با عقاید دیدرو ضدیت داشتند—این نمایشنامه را کپی‌برداری از آثار گلدونی معرفی کردند.

گاهنامه مکاتبه ادبی

گاهنامه مکاتبه ادبی، فلسفی و نقادانه به همت آبه رینال^۱ در سال ۱۷۴۸ پایه‌گذاری شد و سپس ملیشور گریم^۲، ادیب آلمانی، و دیدرو تهیه و پخش آن را تا سال ۱۷۹۳ ادامه دادند. این گاهنامه محرمانه، به صورت دست‌نویس و به تعداد پانزده نسخه تهیه و به محافل اشرافی فرهیخته اروپا ارسال می‌شد. فهرست مشترکان این گاهنامه، هیچ‌گاه شناخته نشد، اما شخصیت‌هایی در دربار سوئد، روسیه، پروس و لهستان آن را دریافت می‌کردند. نقش این گاهنامه در جهت فرامیلتی‌کردن ادبیات اروپا قابل ملاحظه است. چون این گاهنامه در خارج از خاک فرانسه و به صورت دست‌نویس پخش می‌شد، محتویات آن از گزند سانسور در امان بود. برای دیدرو—که انتشار آثار و عقایدش را در فرانسه بدون مخاطره نمی‌دید—چنین گاهنامه‌ای امکانی برای طرح آزادانه عقایدش بود. با این روش، بخشی از آثارش را به اطلاع روشنفکران و ادیبان اروپا رساند، اما در فرانسه این آثار تا مدت‌ها ناشناخته ماندند.

1. Abbé Raynal.

2. Melchior Grimm.

از سال ۱۷۵۹، هر دو سال یک بار، نمایشگاه نقاشی و مجسمه در یکی از سالن‌های کاخ لوور — که هنوز محل سکونت پادشاهان بود — برگزار می‌شد. دیدرو این نمایشگاه‌ها را دید و تقریباً همهٔ آثار هنرمندان را با دقت و بی‌محابا بررسی و نقد کرد و نتیجهٔ نظراتش را در مقاله‌هایی به نام «سالن‌ها» تهیه و در گاهنامهٔ مکاتبهٔ ادبی منتشر کرد. با مطالعهٔ این مقاله‌ها به معیارهای زیبایی‌شناسانه و نگرش عمیق هنری دیدرو پی می‌بریم. بی‌دلیل نیست که کاترین، تزارین روسیه و خوانندهٔ مکاتبهٔ ادبی، در سال ۱۷۶۸ از دیدرو خواست تا مجموعه‌ای از آثار نقاشان و مجسمه‌سازان را برای روسیه بخرد. او با کمک و راهنمایی ولتر، حدود چهار هزار اثر هنری، با هزینهٔ کاترین خرید و به روسیه ارسال کرد. نگرش و انتخاب آن‌ها، یکی از عوامل غنای موزه‌های روسیه و به خصوص موزهٔ آرمیتاژ است. همین گاهنامه بود که کاترین را با عقاید و افکار دیدرو آشنا کرد و در سال ۱۷۶۵، کتابخانه و همهٔ آثار او را به مبلغ پانزده هزار لیور خرید، اما استفاده از کتابخانه را تا آخر عمر دیدرو به او واگذار کرد و هزار لیور مقرری سالانه نیز برایش در نظر گرفت. حمایت کاترین، او را آسوده‌خاطر کرد و توانست با خیالی آسوده به نگارش آثار گوناگون بپردازد. رمان راهبه در سال ۱۷۷۰ در مکاتبهٔ ادبی منتشر شد؛ یک سال بعد، طرح نمایشنامه‌ای را با عنوان آیا او خوب است؟ آیا او بدطینت است؟ آغاز کرد. در سال ۱۷۷۲، آنزلیک، دختر دیدرو، با آبل کاروایون دو واندوئل ازدواج کرد و سال بعد، دیدرو در آستانهٔ شصت سالگی روی رمان برادرزادهٔ راموکار کرد و طرح اولیهٔ نظریهٔ متضاد دربارهٔ هنرپیشه را نگاشت. برای ملاقات و قدردانی از کاترین، پس از یک سفر طولانی، در سال ۱۷۷۳ وارد دربار روسیه شد و تقریباً هر روز با او ملاقات و مصاحبه داشت. او یک سال بعد، در حالی به پاریس برگشت که به شدت بیمار و خسته شده بود؛ اکنون کار تهیه و چاپ دانشنامه پایان یافته است و او می‌تواند به نگارش آثار دلخواه خود بپردازد.

در سال ۱۷۷۸، مقاله‌ای دربارهٔ سه‌نک را با کسب مجوز در پاریس منتشر کرد و به نگارش رمان ژاک قضاقدری پایان داد.

به سال ۱۷۸۰، کتاب اصول روان‌شناسی را با استفاده از تجربه‌های پزشکان بیمارستان‌ها، عوارض بیماری‌ها، حالات بیماران و نحوهٔ درمان آنها، منتشر کرد. این کتاب نتیجهٔ مذاکرات و مناظرات او با پزشکان و بیولوژیست‌ها بود. سال بعد، رؤیای دالامبر در مکاتبهٔ ادبی پخش شد که حاصل مطالعات و مشاهدات او دربارهٔ خواب، رؤیا و واقعیت است. در این اثر، او نظریات ماتریالیستی خود را مطرح کرده است. آشنایی دیدار با نظرات بوردو^۱، او را به مطالعه دربارهٔ ارتباطات سیستم عصبی انسان وامی‌دارد. به نظر او مرکز احساس در سیستم عصبی مغز قرار دارد. نزد برخی از موجودات، سیستم عصبی مغزی، بسیار قوی است و برتری دارد. مدیران و نیز شاعران، نقاشان و خالقان آثار هنری — مانند موسیقیدان‌ها یا بازیگران نابغه — در این دسته جا می‌گیرند. از طرف دیگر، یک سیستم عصبی جانبی وجود دارد که در دیافراگم (شکم) تمرکز یافته است و نزد برخی از موجودات این سیستم عصبی ارجحیت دارد. این‌ها هنرمندان بی‌استعداد، آدم‌های عادی و تماشاگران معمولی را شامل می‌شوند. در مقالهٔ نظریه متضاد دربارهٔ هنرپیشه این عقیده در رابطه با هنرپیشه و اجرای نقش مطرح می‌شود. بحث دیگر این دو کتاب، موضوع نبوغ و استعداد است، و اینکه آیا نبوغ نعمت طبیعی است یا نه. بحث موروثی یا اکتسابی بودن نبوغ و استعداد در میان روشنفکران جریان داشت و دیدار ابتدا به موروثی بودن نبوغ اعتقاد داشت، اما سپس متأثر از نظرات هلوئیوس^۲، نقش شرایط اجتماعی، آموزش و امکاناتی را نیز در نظر می‌گیرد که برای پرورش یک انسان مؤثر است.

دیدار در سال‌های آخر عمر، بار دیگر آثار نمایشی سه‌نک را مطالعه کرد و در مقالهٔ گفتاری دربارهٔ ادبیات دراماتیک بارها از سه‌نک و نمایشنامه‌های او یاد کرده است. در سال ۱۷۷۸، رساله‌ای به نام مقاله‌ای دربارهٔ زندگی و نوشته‌های

۱. دکتر تنوفیل دو بوردو (Bordeu)، دربارهٔ احساسات و سیستم عصبی، تحقیقات ارزنده‌ای به عمل آورده است. او یکی از شخصیت‌های کتاب رؤیای دالامبر است و دیدار با گفت‌وگو، در این کتاب نظرش را مطرح می‌کند.

2. Claude Adrien Helvétius.

سه‌نگ تهیه کرد و این اثر با کسب مجوز در پاریس منتشر شد. سپس در سال ۱۷۸۲، همین مقاله را با ویرایش جدید و با نام «مقاله‌ای دربارهٔ حکومت کلود و نرون و دربارهٔ اخلاقیات و نوشته‌های سه‌نگ» منتشر کرد. عوامل کلیسا و مخالفان عقاید روشنگران، این اثر را به شدت محکوم کردند و پارلمان حکم ممنوعیت و جمع‌آوری آن را صادر کرد. در همین دوران، او سه اثر مهم دیگر نیز به نگارش درآورده است:

۱. سال ۱۷۸۰، اصول فیزیولوژی که نظرهای ماتریالیستی او را شامل می‌شد؛
 ۲. تاریخ دوهند با همکاری آبه رِنال که نظرهای سیاسی او دربارهٔ مستعمره‌ها و برده‌داری را در خود داشت. پارلمان، این کتاب را طرد و محکوم کرد و دیدرو نیز به زندان و تبعید، تهدید شد؛

۳. در سال ۱۷۸۱ و در اثر تفکرات پراکنده دربارهٔ نقاشی، نظرات زیبایی‌شناسانهٔ او منتشر شد.

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، دیدرو در سال ۱۷۷۴ از سفر روسیه به پاریس بازگشت. شرایط سخت این سفر طولانی او را به شدت خسته و ضعیف کرده بود. به‌رغم این مشکلات، او تا آخر عمر از نوشتن و تنظیم آثار مختلف دست برنداشت. در سال ۱۷۸۴، کاترین آپارتمان مرفه‌ای در طبقهٔ همکف، واقع در خیابان ریشولیو برای او اجاره کرد. ۲۲ فوریهٔ همین سال، سوفی وولان فوت کرد و چند ماه بعد، در ۳۱ ژوئیهٔ ۱۷۸۴، دیدرو در سن هفتاد و یک سالگی در پاریس دنیا را ترک کرد.

همهٔ آثار و دست‌نوشته‌های منتشر نشدهٔ دیدرو به روسیه منتقل شد و به سفارش او، اجازهٔ انتشار آثارش در فرانسه به کاروایون دو واندوئل^۱ تعلق گرفت. بسیاری از آثار دیدرو سال‌ها پس از مرگش در فرانسه چاپ و شناخته شد.